

متن پیمان امام حسن(ع) و معاویه

امام حسن (ع) ابتدا خود را برای جنگ با معاویه آماده نمود، ولی در اثر عدم پایداری یاران آن حضرت و به جهت خطراتی که متوجه اصل دین اسلام بود که بیم آن می رفت اصل دین را به نابودی بکشاند، حضرت مجبور گردید با معاویه صلح کند.



متن پیمان امام حسن(ع) و معاویه / 200 هزار درهم جایزه ترور حضرت امام حسن (ع) ابتدا خود را برای جنگ با معاویه آماده نمود، ولی در اثر عدم پایداری یاران آن حضرت و به جهت خطراتی که متوجه اصل دین اسلام بود که بیم آن می رفت اصل دین را به نابودی بکشاند، حضرت مجبور گردید با معاویه صلح کند. دوران حکومت امام حسن(ع) گرچه بسیار کوتاه بود اما بردارنده بسیاری از نکات اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و معرفتی است که برای شیعیان می تواند درسهای بی شماری به ارمغان آورد. حوادثی که در دوران حکومت امام حسن(ع) اتفاق افتاد به شرح ذیل قابل بررسی است؛

1. ترور امام حسن(ع): یکی از حوادثی که پس از بیعت مردم با امام حسن مجتبی اتفاق افتاد، دسیسه دشمنان برای ترور امام حسن بود. مرحوم صدوق می نویسد: معاویه جاسوسی را به سوی تعدادی از منافقان و خوارج مثل عمرو بن حرith، اشعث بن قیس، شبت ابن ربیع و... روانه ساخت و به هریک از آنها وعده داد که در صورت کشتن امام حسن، 200 هزار درهم، به همراه فرماندهی بخشی از لشکریان شام اعطا کند. امام که از توطئه دشمنان آگاهی داشت، حتی در حال نماز از زره استفاده می نمود.

روزی یکی از مخالفان، در حال نماز به سوی حضرت تیراندازی کرد که با برخورد به زره، اثر نکرد. و نیز هنگامی که حضرت شبانه از ساباط مداین عبور می کرد، یکی از منافقان خنجری مسموم بر ران مبارکش زد که موجب شد حضرت در مداین بستری و مورد معالجه قرار بگیرد.

2. خیانت فرماندهان: یکی از حوادث اسفبار که زمینه ساز تضعیف روحیه سپاهیان امام مجتبی شد، خیانت فرماندهان بود. یکی از آنان، فردی است به نام «حکم» که از بزرگان قبیله «بنی مراد» بود. امام (ع) او را برای فرماندهی 4 هزار نفر، به شهر «انبار» گسیل داشت. معاویه در نامه ای او را تطمیع کرد و 500 هزار درهم برای وی فرستاد. این فرمانده، دین خود را به دنیا فروخت و روانه شام شد.

یکی دیگر از فرماندهان خائن، مردی است از قبیله «بنی مراد» که او نیز به همان شیوه ذکر شده فریفته شد. عبیدالله بن عباس از دیگر فرماندهانی است که فریب معاویه را خورد. او که فرماندهی 12 هزار نفر را عهده دار بود، شبانه به سوی معاویه گریخت.

3. صلح با معاویه: از دیگر حوادث مهم، صلح امام مجتبی (ع) با معاویه است؛ صلحی که به تعبیر امام «بنی مراد» برای امت، از آنچه خورشید بر آن می تابد، بهتر بود.» و همان گونه که خود فرمود: «بنی مراد» صلح حدیبیه است.» و به نقل بسیاری از مفسران قرآن کریم امام حسن از این صلح به «فتح مبین» یاد می کند: «انا فتحنا لك فتحاً مبیناً». امام حسن (ع) ابتدا خود را برای جنگ با معاویه آماده نمود، چنانکه از نظر تاریخ این مطلب روشن است، ولی در اثر عدم پایداری یاران آن حضرت و به جهت خطراتی که متوجه اصل دین اسلام بود که بیم آن می رفت اصل دین را به نابودی بکشاند، امام حسن مجبور گردید با معاویه صلح کند.

متن پیمان امام حسن و معاویه

ماده اول: حسن بن علی حکومت و زمامداری را به معاویه واگذار می کند، مشروط به آنکه معاویه طبق دستور قرآن مجید و روش پیامر (ص) رفتار کند.

ماده دوم: بعد از معاویه، خلافت از آن حسن بن علی خواهد بود و اگر برای او حادثه ای پیش آید، حسین بن علی زمام امور مسلمانان را در دست می گیرد. نیز معاویه حق ندارد کسی را به جانشینی خود انتخاب کند.

ماده سوم: بدعت ناسزاگویی و اهانت نسبت به امیرمؤمنان(ع) و لعن آن حضرت در حال نماز باید متوقف گردد و از علی (ع) جز به نیکی نباید یاد شود.

ماده چهارم: مبلغ پنج میلیون درهم که در بیت المال کوفه موجود است از موضوع تسلیم حکومت به معاویه مستثنا است و باید زیر نظر امام مجتبی (ع) مصرف شود. نیز معاویه باید در تعیین مقرری و بذل مال، بنی هاشم را بر بنی امیه ترجیح دهد.

همچنین باید معاویه از خراج «دارابگرد» مبلغ یک میلیون درهم در میان بازماندگان شهدای جنگ جمل و صفین که در رکاب امیر مؤمنان (ع) کشته شدند، تقسیم کند.

ماده پنجم: معاویه تعهد می کند که تمام مردم، اعم از سکنه شام و عراق و حجاز، از هر نژادی که باشند، از تعقیب و آزار وی در امان باشند و از گذشته آنها صرف نظر کند و احدی از آنها را به سبب فعالیت‌های گذشته شان بر ضد حکومت معاویه تحت تعقیب قرار ندهد، و مخصوصاً اهل عراق را به خاطر کینه های گذشته آزار نکند.

علاوه بر این معاویه تمام یاران علی (ع) را، در هر کجا که هستند، امان می دهد که هیچ یک از آنها را نیازارد و جان و مال و ناموس شیعیان و پیروان علی (ع) در امان باشند، و به هیچ وجه تحت تعقیب قرار نگیرند، و کوچکترین ناراحتی برای آنها ایجاد نشود، حق هر کسی به وی برسد، و اموالی که از بیت المال در دست شیعیان علی (ع) است از آنها پس گرفته نشود.

نیز نباید هیچ گونه خطری از ناحیه معاویه متوجه حسن بن علی و برادرش حسین بن علی و هیچ کدام از افراد خاندان پیامبر(ص) شود و نباید در هیچ نقطه ای موجبات خوف و ترس آنها را فراهم سازد.

در پایان پیمان، معاویه اکیدا تعهد کرد تمام مواد آن را محترم شمرده دقیقاً به مورد اجرا بگذارد. او خدا را بر این مسئله گواه گرفت و تمام بزرگان و رجال شام نیز گواهی دادند.

بدین ترتیب پیشگویی پیامبر اسلام (ص)، در هنگامی که حسن بن علی (ع) هنوز کودکی بیش نبود، تحقق یافت. پیامبر (ص) روزی بر فراز منبر، با مشاهده او فرمود: «این فرزند من سرور مسلمانان است و خداوند به وسیله او در میان دو گروه از مسلمانان صلح برقرار خواهد ساخت».

اهداف امام (ع) از صلح با معاویه

بزرگان و زمامداران جهان، هنگامی که اوضاع و شرایط را بر خلاف هدفها و نظریات خود می یابند، همواره سعی می کنند در موارد دو راهی، جانبی را بگیرند که زیان کمتری دربرداشته باشد، و این یک اصل اساسی در محاسبات سیاسی اجتماعی است. امام مجتبی (ع) نیز بر اساس همین رویه معقول می کوشید هدفهای عالی خود را تا آنجا که مقدور است، به طور نسبی تأمین نماید. از اینرو هنگامی که ناگزیر شد با معاویه کنار آید، طبق ماده اول با این شرط حکومت را به وی واگذار کرد که در اداره امور جامعه اسلامی تنها بر اساس قوانین قرآن و روش پیامبر(ص) رفتار نماید.

بدیهی است نظر امام تنها رسیدن به قدرت و تشکیل حکومت اسلامی نبود، بلکه هدف اصلی، صیانت و نگهداری قوانین اسلام در اجتماع و رهبری جامعه بر اساس این قوانین بود و اگر این روش به وسیله معاویه اجرا می شد، باز تا حدودی هدف اصلی تأمین شده بود.

بعلاوه، طبق ماده دوم، پس از مرگ معاویه، حسن بن علی (ع) می توانست آزادانه رهبری جامعه اسلامی را به عهده بگیرد، و با توجه به اینکه معاویه در حدود 30 سال از آن حضرت بزرگتر بود و در آن ایام دوران پیری را می گذرانید و طبق شرایط عادی امید زیادی می رفت که عمر وی چندان طول نکشد، روشن می گردد که این شرط، روی محاسبات عادی تا چه حد به نفع اسلام و مسلمانان بود.

بقیه مواد پیمان نیز هر کدام حائز اهمیت بسیار بود. زیرا در شرایطی که امیرمؤمنان(ع) در مراسم نماز جمعه و در حال نماز با کمال بی پروایی مورد سب قرار می گرفت و این کار به صورت یک بدعت ریشه داری درآمده بود و شیعیان و دوستداران آن حضرت و افراد خاندان پیامبر همه جا مورد تعقیب و در معرض تهدید و شکنجه بودند، ارزش گرفتن چنین تعهدی از معاویه غیر قابل انکار بود.

اجتماع در کوفه و شکستن پیمان صلح توسط معاویه

پس از انعقاد پیمان صلح، طرفین همراه قوای خود وارد کوفه شدند و در مسجد بزرگ این شهر گرد آمدند. مردم انتظار داشتند مواد پیمان طی سخنرانیهایی از ناحیه رهبران دو طرف، در حضور مردم، تأیید شود تا جای هیچ گونه شک و تردیدی در اجرای آن باقی نماند.

این انتظار بیجا نبود، ایراد سخنرانی جزء برنامه صلح بود. لذا معاویه بر فراز منبر نشست و خطبه ای خواند؛ ولی نه تنها در مورد پایبندی به شرایط صلح تأکیدی نکرد، بلکه با طعنه و همراه با تحقیر چنین گفت: ««من به خاطر این با شما جنگیدم که نماز و حج به جای آورید و زکات بپردازید! چون می دانم که اینها را انجام می دهید؛ بلکه برای این با شما جنگیدم که شما رامطیع خود ساخته و بر شما حکومت کنم». آنگاه گفت: ««آگاه باشید که هر شرط و پیمانی که با حسن بن علی علیه السلام بسته ام زیر پاهای من است و هیچ گونه ارزشی ندارد».

بدین ترتیب، معاویه تمام تعهدات خود را زیر پا گذاشت و پیمان صلح را آشکارا نقض کرد. سپس حسن بن علی (ع) با شکوه و وقار امامت - چنانکه چشمها را خیره و حاضران رابه احترام وادار می کرد- بر منبر بر آمد و خطبه تاریخی مهمی ایراد کرد.

حضرت پس از حمد و ثنای خداوند جهان و درود فراوان بر رسول الله (ص) چنین فرمود: "... سوگند خدا من امید می دارم که خیرخواه ترین خلق برای خلق باشم و سپاس و منت خدای را که کینه هیچ مسلمانی را به دل نگرفته ام و خواستار ناپسند و ناروا برای هیچ مسلمانی نیستم ..."

سپس فرمود: "معاویه چنین پنداشته که من او را شایسته خلافت دیده ام و خود را شایسته ندیده ام. او دروغ می گوید. ما در کتاب خدای عز و جل و به قضاوت پیامبرش از همه کس به حکومت اولی تریم و لحظه ای که رسول خدا وفات یافت همواره مورد ظلم و ستم قرار گرفته ایم".

آنگاه به جریان غدیرخم و غضب خلافت پدرش علی (ع) و انحراف خلافت از مسیر حقیقی اش اشاره کرد و فرمود: "این انحراف سبب شد که بردگان آزاد شده و فرزندانشان - یعنی معاویه و یارانش - نیز در خلافت طمع کردند". چون معاویه در سخنان خود به علی (ع) ناسزا گفت، حضرت امام حسن (ع) پس از معرفی خود و برتری نسب و حسب خود و بر معاویه نفرین فرستاد و عده زیادی از مسلمانان در حضور معاویه آمین گفتند.

جواب اجمالی امام مجتبی (ع) در مورد علت صلح با معاویه

امام مجتبی (ع) خطاب به ابوسعید می فرماید: "مگر من حجت خدا بر خلق و امام بعد از پدرم نیستم! مگر من همان نیستم که پیامبر (ص) درباره من و برادرم فرمود: ««حسن و حسین هر دو امام هستند، چه قیام کنند و چه صلح؟ پس من، چه قیام کنم و چه صلح، امام خواهم بود. ای اباسعید! علت صلح من با معاویه همان علتی است که پیامبر (ص) به خاطر آن با ««بنی زمره» و ««بنی اشجع» و با اهل مکه به هنگام بازگشت از ««حدیبه» صلح نمود. آنان به صراحت حکم قرآن، کافر بودند و اینان به حکم تأویل قرآن کافر نیستند. آیا نمی دانی که خضر(ع) چون کشتی را سوراخ نمود و پسری را کشت و دیوار را در محلی که از اطعام آنان خودداری کردند، تعمیر نمود، موسی (ع) خشمناک شد؛ ولی بعد از آگاهی به حکمت آن، قانع گردید؟ شما نیز این چنین هستید که به خاطر عدم آگاهی از حکمت صلح، ناخشنود هستید".

در این جواب امام حسن(ع) ضرورت حفظ شیعه و اندک بودن یاران صدیق را مورد تأکید قرار داده است. امام حسن(ع) روزی در جمع لشکریانش چنین فرمود: "معاویه به بیعتی دعوت کرده است که عزّت و انصافی در آن نیست. اگر زندگی و ماندن خویش را می خواهید، ما قبول می کنیم و پلک چشم بر خار فرو نهمیم و اگر مرگ را بر زنده ماندن اختیار می کنید، جان را در راه خدا تسلیم کنیم و داوری را از خدا بخواهیم." در این هنگام لشکریان به اتفاق فریاد کردند که: "ما زندگی و ماندن را می خواهیم." در این هنگام امام (ع) خود را تنها و به ناچار پذیرای ««صلح» گشت تا استمرار اسلام و تشیع علوی را در امتداد تاریخ تضمین کند.

روایتی از امام حسن(ع) در مورد ظهور حضرت مهدی(عج)

طبرسی از ابوسعید عقیصا نقل کرده است، وقتی امام حسن (ع) با معاویه صلح کرد، مردم نزد او آمده، برخی نکوهش کردند. امام حسن(ع) فرمود: "آیا خبر ندارید که هیچ یک از ما نیست مگر آنکه بیعت طاغوت زمان خود را به گردن دارد؛ جز قائم ما(عج) که روح خدا - عیسی بن مریم - پشت سر او نماز می گزارد. زیرا خدای سبحان ولادت او را پنهان و شخص او را غایب می کند تا وقتی ظهور کرد، کسی بر عهده اش پیمانی نداشته باشد. او نهمین فرزند برادرم حسین (ع) و فرزند سرور کنیزان عالم است که خدا غیبتش را طولانی می کند، بعد با قدرت خود در شکل جوانی کمتر از 40 سال آشکار می کند تا بدانند که خدا بر هر چیزی تواناست."